

این نوشتار که زیر عنوان " **افغانستان در گرداب جنگ امریکا** " آماده گردیده است، در پنج قسمت به نشر میرسد.

نوشته احمد ضیا سپهر صدیقی:

افغانستان در گرداب جنگ امریکا

فهرست:

- اول- هفت اکتبر آغاز حملات نظامی امریکا به افغانستان.
- دوم- دلایل واهداف اعلام شده جنگ و اشغال افغانستان.
- سوم- نقض قوانین داخلی و بین المللی در طول دو دهه جنگ در افغانستان از سوی امریکا.
- چهارم - استنکاف امریکا از احترام به قانون اساسی افغانستان.
- پنجم - رابطه جنگ افغانستان با کشت و تولید مواد مخدر.
- ششم- مصارف جنگ افغانستان و منابع تمویل آن:
- هفتم - برخی پیامدهای قریب 20 سال جنگ امریکا - ناتو در افغانستان.
- هشتم- استعمال سلاحهای کشتار جمعی در جنگ افغانستان.
- نهم - وضعیت افغانستان پس از بیست سال حضور نظامی امریکا - ناتو.

قسمت اول

افغانستان در گرداب جنگ امریکا

اول- هفت اکتبر آغاز حملات نظامی امریکا به افغانستان:

در هفت اکتبر 2001، جنگ افغانستان توسط نیروهای نظامی ایالات متحده آمریکا، تحت نام رسمی « عملیات دوامدار آزادی » و « مبارزه علیه تروریسم » در پی حمله بر نیویارک و واشنگتن در 11 سپتامبر 2001، و هوشدار جورج دبلیو بوش ریس جمهور وقت ایالات متحده آمریکا به گروه طالبان مبنی بر اخراج گروه ترورستی

القاعده از افغانستان و عدم توافق طالبان از این درخواست، بعد از صدور التیماتوم شدید دولت آمریکا به دولت پاکستان به منظور قطع حمایت و همکاری با طالبان وانجام هماهنگی ها با «ایتلاف شمال افغانستان» و توظیف آنان برای پیشبرد برخی عملیات ها آغاز شد.

در حدود یک هفته بعد از وقوع حملات 11 سپتامبر رییس جمهور وقت آمریکا، اسامه بن لادن، رهبر سازمان القاعده در افغانستان را مسوول حملات تروریستی یازده هم سپتامبر به عنوان مظنون اصلی شناسایی کرد.

گروه القاعده ابتدا در 11 اگست 1988، در شهر پشاور پاکستان در جنب موسسه ظاهراً آموزشی بنام « مکتب الخدمات » که با بودجه سالانه بیشتر از 600 میلیون دالر مساعدت دولت عربستان سعودی و کمک مالی سایر منابع فعالیت داشت پایه گذاری گردید.

مناسبات و روابط نظامی - استخباراتی و تشکیلاتی میان احزاب اسلامی جهادی افغانستان، گروه طالبان و القاعده بوسله (آی اس آی) پاکستان تأمین و تنظیم گردید.

پیش از حمله 11 سپتامبر، شبکه های القاعده در خاک افغانستان ایجاد گردیده بود، اسامه بن لادن که قبلاً به شکل رسمی به افغانستان فرستاده شده بود در این کشور به صورت قانونی به سرمیبرد و از خاک افغانستان به عنوان مرکز فعالیتهای خویش استفاده مینمود.

به همین دلیل رییس جمهور بوش با صلاح دید کنگره، در 20 سپتامبر 2001 در یک کنفرانس بین کنگره ایالات متحده آمریکا، پنج نکته آتی را برای گروه طالبان مشخص نمود:

اول - تمام رهبران القاعده (مقیم در افغانستان) به دولت ایالات متحده آمریکا تحویل داده شوند.

دوم - تمام افراد خارجی زندانی در بند طالبان آزاد و به آمریکا تسلیم داده شود.

سوم - تمام کمپهای تروریستی آنها بسته شود.

چهارم - تمامی تروریستها و حامیان آنها معرفی و به مقامات (آمریکا) تحویل داده شوند.

پنجم - به آمریکا اجازه عام و تام برای دسترسی به کمپهای تروریستی و بررسی آنها داده شود.

رهبری گروه طالبان، تقاضای فوق را نپذیرفت. در پی خودداری رهبری طالبان از پذیرش خواست ایالات متحده آمریکا، مطابق نقشه ای از قبل آماده شده فرمان حمله بر افغانستان در روز 17 اکتبر 2001 صادر شد.

در 17 اکتبر آمریکا، انگلستان و همپیمانهای آنها سرزمین افغانستان را با وقاحتی بی مانند مورد حملات سنگین کور نظامی و بمباردمان شدید هوایی قرار دادند. مزید بر اهداف نظامی هزارها تن بم سنگین وزن را بالای ساختمانهای رهائشی، مؤسسات دولتی - خدماتی و افراد بی دفاع و مظلوم ملکی ریختند.

نیروهای وطن دوست و نهادهای ترقی پسند و صلحخواه کشور از نام مردم افغانستان، حملات آمریکا و شرکای آنها به سر زمین افغانها شدیداً تقبیح کردند و خواهان توقف بمباردمان کور بر مردمان رنج دیده افغانستان گردیدند و هوشدار دادند که "رهایی و آزاد سازی انسان در بند افغانستان، استقرار صلح پایدار و دموکراسی در این کشور و ریشه کن کردن اسلامیزم افراطی به هیچ وجه از طریق پامال کردن حقوق انسانهای بیگناه و کشتار وحشیانه و نابودی جمعی آنان توسط سلاحهای مدحش میسر نخواهد شد".

شورای امنیت سازمان ملل متحد اجازه فعالیت نظامی و حمله به افغانستان « عملیات دوام دار آزادی » را به ایالات متحده آمریکا نداده بود و آمریکا مجوزی را دریافت نکرده بود. امریکا صرفاً با استناد به قطعنامه های ضد تروریستی سازمان ملل متحد، عملیات خود را شروع کرد.

در 20 دسامبر 2001 شورای امنیت سازمان ملل متحد به آمریکا اجازه تشکیل « آیساف » را صادر کرد. « آیساف » موظف به طرح و اتخاذ تدابیر معین به هدف یاری کردن و توانایی بخشیدن به « دولت موقتی » افغانستان گردید. (این وظیفه آیساف و رهبری آن بعداً مطابق به اراده و تقاضای دولت ایالات متحده آمریکا در سال 2003 به ناتو واگذار شد.)

باید تذکار داد که دولت بریتانیا از سال 2002 به صورت رسمی فعالیت منظم مستقل نظامی خویش را در افغانستان آغاز نمود.

ایالات متحده امریکا، اکنون بیش از ۱۲ هزار نیروی نظامی در افغانستان دارد. در حال حاضر سربازان خارجی همراه با نظامیان و کارکنان امنیتی افغانی در جنگ علیه مخالفین مسلح دولت شرکت دارند.

دوم-دلایل واهداف اعلام شده جنگ و اشغال افغانستان از سوی امریکا:

دولتهای بزرگ سرمایه داری زیر رهبری دولت ایالات متحده آمریکا در نخستین روزهای لشکر کشی خود، برای توجیه جنگ خویش اعلام نمودند که: با به کارگیری توانایی های پیمان اتلانتیک شمالی (ناتو)، میخواهند « بیرق رهایی و آزادی » را در این سرزمین برافرازند و جامعه انسانی را در سرزمین سوخته و ظلمت سرای افغانستان اعمار نمایند.

آمریکا - ناتو برای توجیه اشغال افغانستان، سرابی را در مورد تعهد برای تأمین آزادیهای دموکراتیک در کشور، بازسازی افغانستان جنگزده، بهبود شرایط زنده گی مردم، رفع ستم جنسی و تأمین و تضمین حقوق زن افغان، برچیدن بساط کشت، تولید و قاچاق مواد مخدر گسترده کردند.

هجوم نیروهای خارجی مهاجم در اکتوبر سال 2001 به افغانستان، در آغاز انتظارات واهی را در مورد ختم جنگ، تأمین صلح پایدار، شکست ارتجاع سیا طالبی، کنار گذاشتن نیروهای بنیاد گرا مذهب و جنگسالاران از صحنه سیاسی کشور و تکوین جامعه مدنی به میان آورد.

در نخستین روز های حملات نظامی امریکا به افغانستان، این سوال در مقابل مردم قرار گرفت که، چگونه میتوان از یکسو سینه توده های بی دفاع را نشانه گرفت، خانه و کلبه های گلی مظلوم ترین و محروم ترین اقشار جامعه را با بم افکنهای بی 52 منهدم نمود، بخش بزرگی از نیروهای فعال مستعد به کار را از عرصه کار و زنده گی بیرون انداخت، هزاران کودک را یتیم و هزارها زن را بیوه ساخت و ارزشهای فرهنگی چندین سده این سرزمین را تخریب و نابود کرد، واز سوی دیگر سخن از پابندی به رهایی انسان و آرمانهای مردم و حقوق بشری و باز سازی و انکشاف بمیان آورد.

قسمت دوم

" " افغانستان در گردآب جنگ امریکا

نوشته احمد ضیا سپهر صدیقی:

سوم- نقض قوانین داخلی و بین المللی در طول دو دهه جنگ در افغانستان از سوی امریکا

برخلاف اعتراضات مردمان افغانستان و جهان، جنگ، خشونت، سرکوب، قتل و بد امنی در افغانستان گسترش می یابد و هر روز خونهای تازه جاری میگردد. خونریزهای که در آن دست مداخله مستقیم یا غیر مستقیم امریکا دخیل است به افغانستان محدود نیست. هر روز اخبار کشته شده گان در عراق، سوریه، یمن و لیبیا سرخط مطبوعات و مدیای بین المللی و برگه های شبکه های انترنیتی را میسازد. نقش و سهم امریکا در گسترده گی این همه خونریزی و ویرانی، آنکشور را به منبع خطر برای امنیت بین المللی بخصوص کشورهای دارای پوتانسیل ضعیف دفاعی بدل کرده است.

پس از فروپاشی اتحاد شوروی که جهان ساختار یک قطبی به خود گرفت، امریکا خود را بر مسند فرمانروایی بر جهان قرارداد، نظم کلاسیک حقوق بین المللی که به صورت نسبی اجرای قوانین و معاهدات بین المللی و استقلال نسبی کشورهای ضعیف را تأمین میکرد بیش از گذشته صدمه دید. و از محتوای سرشتی خویش تهی گردید.

واقعیت این است که امروز امریکا با 21,439,453 میلیون دالر تولید ناخالص ملی- (بر اساس برآورد صندوق بین المللی پول در سال 2019) با منابع طبیعی فراوان، با بودجه نظامی 750 میلیارد دالر در سال 2020 و داشتن 510 هزار و 927 پرسنل نظامی و غیرنظامی و دارای علوم و تکنالوزی پیشرفته، کشور نیرومند از نظر انکشاف و رشد اقتصادی، در سطح جهان است. این امتیازان گزیده گرایش سیاستمداران امریکایی در استفاده از ابزار اقتصادی و نظامی در قضایای بین المللی شده و در اغلب موارد معامله گری و گانگستری جای سیاستهای سالم، حقوق و دیپلوماسی را اشغال کرده است.

روز تا روز دولت امریکا از پیوستن به معاهدات مختلف که به منظور تقویت نظام حقوق بین المللی تنظیم و نافذ شده به بهانه های غیر موجه استنکاف می ورزد.

برای داشتن تصویر روشنی از فرار دولت امریکا از پابندی به موازین حقوق بین المللی و تلاش در جهت ایجاد زمینه های بی مسؤولیتی در قضایای بین المللی و فرمانروایی جهانی به گونه مثال از برخی معاهداتی که مورد تأیید امریکا قرار نگرفته یا به امضای این کشور نرسیده است در زیر نام میبریم.

کنوانسیون کار اجباری، کنوانسیون آزادی انجمن و حفاظت از حق سازماندهی، کنوانسیون حق سازماندهی و چانه زنی جمعی، کنوانسیون سرکوب قاچاق اشخاص و بهره کشی از روسپی گری دیگران، کنوانسیون مربوط به وضعیت آواره گان، کنوانسیون دفاع از حقوق برابر، کنوانسیون مربوط به وضعیت افراد بی خانمان، کنوانسیون تبعیض، کنوانسیون ضد تبعیض در آموزش، کنوانسیون کاهش بی خانمانی، کنوانسیون مربوط به رضایت با ازدواج، حداقل سن ازدواج و ثبت ازدواج ها، کنوانسیون سیاست استخدامی، معاهده بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی.

کنوانسیون غیرقابل اجرا بودن محدودیت های قانونی در مورد جنایات جنگی و جنایات علیه بشریت، کنوانسیون وین در مورد حقوق معاهدات، معاهده منع استفاده از موشک های بالستیک. کنوانسیون استفاده از مهمات خوشه ای.

کنوانسیون حذف همه نوع تبعیض علیه زنان، کنوانسیون حقوق کودکان، کنوانسیون بین المللی رعایت حقوق همه کارگران مهاجر و خانواده هایشان، کنوانسیون بین المللی در مورد حقوق دریاها، کنوانسیون تنوع بیولوژیکی، کنوانسیون امنیت سازمان ملل و افراد مرتبط، پروتکل کیوتو، معاهده اوتاوا، اساسنامه دیوان بین

المللی کیفری، کنوانسیون بین المللی حمایت از تمامی اشخاص در برابر ناپدید شدن اجباری، کنوانسیون حمایت از حقوق افراد ناتوان، معاهده تجارت اسلحه، پیمان تجاری اقیانوس آرام.

مهمترین توافق نامه های که آمریکا پس از امضای دو سال اخیر از آنها خارج شده است:

توافق آب و هوایی پاریس، (آمریکا روز دوم ژوئن ۲۰۱۷ از توافق آب و هوایی پاریس خارج شد).

معاهده نفتا و شورای حقوق بشر سازمان ملل، (آمریکا در سال 1397 از معاهده نفتا و شورای حقوق بشر سازمان ملل خارج شد).

آمریکا همچنین در سال 1396 از پیمان همکاری ترانس-پاسیفیک (TPP) که میان ۱۲ ملت عقد شده بود، خارج شد.

آمریکا به تازگی نیز با توافق بین المللی کاهش آلاینده گی پلاستیکی مخالفت کرده است. (این توافق در پایان نشستی که با حمایت سازمان ملل پیرامون ضایعات پلاستیکی، مواد سمی و مواد شیمیایی در ژنو سوئیس تشکیل شد، به دست آمد).

رئیس جمهوری آمریکا همچنین اعلام کرده است که کشورش را از پیمان تجارت بین المللی تسلیحات که در سال 2013 امضا شده، خارج می کند.

چهارم - استنکاف امریکا از احترام به قانون اساسی افغانستان:

استنکاف از احترام به قوانین داخلی و معاهدات بین المللی افغانستان به ویژه قانون اساسی کشور، نیروهای نظامی امریکا - ناتو را به آدم کشان لاقید و بی مسولیت بدل کرده است. در اغلب عملیاتیهای نظامی و جنگی که از سوی قوای امریکایی صورت گرفته (به شمول عملیاتیهای نظامی - استخباراتی شبانه) علاوه از تخلفات در استفاده بی تناسب از قوا علیه طرفهای درگیر، ضربات کشنده و مخرب به مردم ملکی بی دفاع وارد شده است. این در حالیست که، پروتوکول ۱ ماده ۴۲ کنوانسیون ژنوا (۱۹۴۹ م) می گوید: «... در صورتیکه دشمن به مقاومت ادامه دهد باید در برابرش از قوای متناسب به موقعیت جنگ استفاده شود. توسل به انتقام جویی اکیداً ممنوع است». همچنان، ماده ۳۳ کنوانسیون چهارم ژنو تصریح میکند: «در حالت اشغال یک کشور مجازات دسته جمعی افراد ملکی جداً ممنوع است. هیچ شخصی بدون ارتکاب جرمی که مرتکب نشده است مجازات نمیشود. تعجیز و ایجاد فضای وحشت و « ترور » نقص صریح قوانین بین المللی است». در حکم مواد فوق امریکا صریحاً متهم به استفاده از تروریزم دولتی در حالت اشغال یک کشور بیگانه می باشد.

استعمال مادر بمها، و دیگر سلاح های مدحش، نقض سریع قوانین و موازین بین المللی در جنگ و ایجاد فضای وحشت و ترور در سرزمین افغانستان نشان میدهد که، جناب ترامپ دست جنرالهای نظامی امریکایی را در جنگ افغانستان باز تر نگهداشته است.

تداوم بخشیدن حضور نیروهای نظامی امریکا - ناتو و ادامه جنگ و خشونت در این سرزمین، گسترش "انارشیزم کنترل شده" و تشدید بحران قدرت فقط یک پیام به آدرس مردم افغانستان میتواند داشته باشد: جا بجایی و استقرار حاکمیت‌های مزدور و وابسته به دستگاه استخباراتی بیگانه (پاکستان و امریکا) از راه جنگ، خشونت و ایجاد فضای ترس و وحشت همراه با فشارهای اقتصادی.

پا گذاشتن بالای اراده مردم در دفاع از منافع ملی افغانستان و ادعای تمثیل این منافع از جانب قوای اشغالگر، ادامه "انارشیزم کنترل شده"، ایجاد زمینه های نو بی ثباتی به منظور تبدیل افغانستان به مرکز داد و ستدهای ستراتیژیک نظامی، سیاسی و اقتصادی در منطقه و بلعیدن افغانستان از راه تداوم جنگ محور سیاست امریکا در افغانستان را می سازد.

امریکا با توسل به شیوه های غیر دموکراتیک، انحصار گرانه و ایجاد فضای وحشت و ترور، زمینه های تفاهم ملی را نفی کرده و با کنار زدن نیروهای صلح خواه، ترقی پسند و تحول طلب از وضعیت سیاسی کشور، میدان را برای نیروهای فاسد غارتگر و شبکه های مافیایی - جهادی؛ و گروه های تروریستی طالبان باز گذاشته و افغانستان را بطرف انحطاط سوق داده است.

توسل به بدمعاشی، گانگستری و تروریسم دولتی اوضاع را بیش از پیش بیچیده میسازد، موقف نیروهای ضد سیاست امریکا رادیکالیزه میشود. مخالفین بدنبال پیوستن به متحدین جدید در داخل و خارج افغانستان ظرفیتهای بیشتر دریافت میکنند. با استفاده از موقع، پاکستان و ایران به عمق نفوذ خود در میان مقاومت مسلح و غیر مسلح می افزاید.

کارنامه های نظام حاکم طی قریب 20 سال اخیر در افغانستان نشان داده است که، دیگر نمیتوان توقع مسؤلیت پذیری، دفاع از حاکمیت ملی و منافع ملی کشور و انجام کار سازنده را در امر استقرار صلح، تأمین امنیت و انکشاف و توسعه جامعه افغانی از حکومت‌های دست نشانده، بیگانه پرست و حامیان جهانی آنها داشت. محامفل حاکمه ی افغانستان دوام زنده گی ننگین خود را با استمرار جنگ گره زده اند، آنان حاضر اند برای حفظ مقام، قدرت و ثروتهای باد آورده خویش به هر معامله ی دست بزنند

قسمت سوم:

" افغانستان در گردآب جنگ امریکا "

نوشته احمد ضیا سپهر صدیقی:

پنجم- رابطه جنگ افغانستان با کشت و تولید مواد مخدر:

حکومت افغانستان و دفتر جرایم و مواد مخدر سازمان ملل گزارش داده‌اند که: "تولید مواد مخدر افغانستان در سال جاری میلادی ۸۷ درصد افزایش یافته است. (هنگام حمله آمریکا به افغانستان یعنی زمان فروپاشی رژیم طالبان در سال ۲۰۰۱، تنها هشت هزار هکتار زمین تریاک کشت شده بود). ساحات کشت خاشخاش (کونار) که در سال (1994 عیسیایی) 7۱ هزار هکتار بود اما این مقدار در سال 2017 میلادی به 328 هزار هکتار رسیده است."

باید تذکر داد که ساحات کشت کونار در سال 1994 یعنی دوران انارشی مجاهدین به 71 هزار هکتار رسیده بود، ولی در دوران اولیگارشی گروه طالبان به 57 هزار هکتار کاهش یافت. اما بعد از سال 2002 ساحات کشت پیوسته در حال افزایش بوده است.

آمار ارائه شده نشان می‌دهد که برای اولین بار ساحات زیر کشت مواد مخدر در افغانستان در سال 2017 به بیش از سیصد هزار هکتار و مقدار تولید آن به نه هزار 9000 تن در سال افزایش یافته است، (مقدار تولید واقعی حدود 12 هزار تن از سوی برخی از نهادها برآورد گردیده است). همچنان در اوسط حاصل فی هکتار زمین که در آن کونار کشت گردیده، به طور متوسط، از 23،8 کیلوگرام فی هکتار به بیش از 27 کیلوگرام فی هکتار، افزایش بعمل آمده است. (یک هکتار مساوی است به 5 جریب).

براساس آمار وزارت مبارزه با مواد مخدر افغانستان، ارزش اقتصادی مواد مخدر در سال گذشته (2017) در داخل افغانستان حدود ۴ تا ۶ میلیارد دالر محاسبه شده است. زارعین افغانستان از این مقدار پول تنها ۱/۴ میلیارد دالر را به دست می‌آورند

پس از حضور نظامی امریکا - ناتو در افغانستان روند کشت، تولید، پروسس، ترافیک و مصرف مواد مخدر در کشور به شدت سیر صعودی یافت.

تولید و تجارت مواد مخدر در افغانستان، نه تنها باعث تقویت تروریسم و تداوم جنگ در افغانستان می‌گردد، بلکه شرایط اعتیاد میلیون ها نفر، و نیز رواج اقتصاد مافیایی را نیز فراهم نموده است.

«متیو رید» تحلیلگر نشریه فارن افرز نوشته:

"در سال ۲۰۱۸ میلادی، تولیدات مواد مخدر افغانستان با رشد ۸۷٪ به بیش از ۹ هزار تن رسید که در مقایسه با سالهای قبل افزایش چشم گیری داشته است. و در واقع تولید مواد مخدر نیمی از تولید ناخالص داخلی افغانستان را تشکیل می دهد، و تقریباً ۸۵٪ از تریاک جهان را تأمین می کند."

« سیگار » بازرس ویژه ایالات متحده آمریکا برای بازسازی افغانستان، در گزارش اخیر خود اعلام کرد:

" فقط یک سوم مواد مخدر تولید شده در افغانستان، در بخش های تحت کنترل دولت کشت می شوند. در مناطقی که طالبان بر آنها نفوذ دارند بیشتر از ۴۷ درصد مواد مخدر تولید می گردد. گزارشهای منتشره بیان میدارد که در مناطق تحت کنترل طالبان و برخی گروه های که با طالبان همسویی دارند، در سطح بیش از ۱۲۳ هزار هکتار، خشخاش کشت می شود."

با توجه به گسترش چشم گیر کشت، تولید، پروسس و ترافیک مواد مخدر در افغانستان، بدون تردید باید گفت که شماری از مقامات بلند پایه دولتی، قوماندانهای نظامی (جهادی و غیر جهادی) و تعدادی از نیروهای نظامی خارجی که در افغانستان حضور دارند در این امر دخیل اند.

بخش بزرگ ۱۳۲ میلیارد دالر کمک آمریکا برای بازسازی افغانستان هدر رفته است. "داگلاس مک گرگور" جنرال بازنشسته ارتش آمریکا در یک برنامه تلویزیونی اظهار داشت: " آمریکا در افغانستان هیچ هدف راهبردی و یا هدف قابل دستیابی سیاسی و نظامی ندارد در عین حال مردم آمریکا برای خروج نیروها از افغانستان به ترامپ رای دادند بنابراین وی باید این کار را انجام دهد."

وی با اشاره به فساد اداری گسترده در افغانستان نیز گفت: " که فساد گسترده در این کشور و تبدیل شدن آن به بزرگترین تولید کننده هروئین در جهان تحت نظارت آمریکا اتفاق افتاد."

اخیراً دفتر سیاست ملی کنترل مواد مخدر کاخ سفید " نتایج برآورد سالانه میزان کشت خشخاش (کوکنار) و تولید تریاک در افغانستان را بتاريخ 6 جنوری 2020 منتشر کرد. براساس این گزارش، " در سال گذشته (2019) میلادی ۶ هزار و ۷۰۰ تن تریاک در افغانستان تولید شده است. این رقم در سال ۲۰۱۸ میلادی به ۵ هزار و ۵۵۰ تن می رسد. اما در زنده گی اقتصادی زارعین اصلی مواد مخدر هیچ گونه بهشد رونما نگردیده است، اکثریت زارعین که مصروف کشت کوکنار اند در فقر و تنگدستی به سر می برند. با آنکه میزان کشت خشخاش در افغانستان از ۲۲۱ هزار هکتار زمین در سال ۲۰۱۸ به ۱۶۰ هزار هکتار در سال ۲۰۱۹ تا 2020 افت داشته است."

عمق فاجعه این پدیده شوم از آن جهت نگران کننده است که، به همان اندازه که کشت و تولید مواد مخدر در افغانستان رونق بیشتر حاصل نموده است، توزیع آن هم در داخل کشور گسترده تر و آزاد تر شده است. بر اساس

یک گزارش رسمی وزارت مبارزه با مواد مخدر افغانستان، "تعداد معتادین مواد مخدر در افغانستان به 2 میلیون و 5 صد هزار تن رسیده است."

یک بررسی نشان میدهد که:

تعداد تخمینی معتادین به، 2.5 میلیون نفر. بالغ گردیده و مصرف مواد مخدر فی نفر روزانه بطور اوسط: 2 دالر سنجش شده است. بر اساس آرقام فوق مصرف روزانه: 5 میلیون دالر و مصرف ماهوار: 150 میلیون دالرو مصرف سالانه: یک میلیارد و هشت صد میلیون دالر سنجش گردیده است.

برای افغانستان با آنکه جنگ سی ساله داخلی و خارجی، ویرانگرترین، پر مصیبت ترین، و پر تلفات ترین رویداد ها بوده است اما تولید و توزیع مواد مخدر در این کشور به میزان بیشتر از جنگ به جامعه افغانی ضربه وارد نموده است.

افزایش استفاده از مواد مخدر و پایین آمدن وحشتناک سن اعتیاد در افغانستان، دلایل بسیار متفاوتی می تواند داشته باشد. از قبیل بیکاری، بی عدالتی، بی قانونی، فشار مشکلات زنده گی، فقر، مهاجرتها و برگشتها، نبود یک دولت مردمی و متعهد به منافع ملی کشو و سود جویی کارتلهای تولید مواد مخدر، ولی جنگ یکی از عوامل اساسی این روند به شمار میرود. امروز تجارت مواد مخدر در افغانستان مشمول اقتصاد جنگی جهانی گردیده است.

طوریکه به مشاهده میرسد در وضعیت جاری نقش کشت و تجارت مواد مخدر نه تنها در تداوم جنگ و بروز منازعات در جامعه افغانی بلکه در اختلال پروسه ی صلح هم قابل ملاحظه است، تولید مواد مخدر آنچنانیکه در دوام جنگ و تشدید منازعات فکتور اساسی به شمار میرود در تسهیل گفت وگوهای صلح، ایجاد فضای همکاری و اعتماد سازی نیز میتواند نقش ایفا کند، بناء ادغام آن در برنامه های رفع منازعات داخلی و تأمین صلح پایدار برای کشور حیاتی است. زیرا بدون دستیابی به راه حل های متعادل و جامع برای چالشهای مواد مخدر و بدون حل بنیادی معضله کشت، تولید، پروسس و تجارت مواد مخدر، افغانستان نمیتواند به سوی صلح پایدار، امنیت و ثبات سوق گردد.

از دید من طرح و تدوین یک برنامه عمل ملی در رابطه به مواد مخدر که با وضعیت جاری نظامی، سیاسی و اقتصادی - اجتماعی کشور همخوانی داشته باشد و بتواند کشت خاشخاش را در کشور قانونی سازد، نظارت و کنترل دولت و جامعه جهانی را بر توزیع و تجارت آن تأمین بدارد و زمینه های لازم را برای جلب سرمایه داران داخلی و خارجی و همکاریهای نهادهای بین المللی به منظور سرمایه گذاری برای ایجاد کارخانه های تولید صنعتی محصولات دارویی و پزشکی فراهم سازد از اولویت های کار یک دولت مستقل ملی و متعهد به منافع

ملی کشور شمرده میشود. (باید در نظر داشت که استفاد از تریاک و دیگر مشتقات خشخاش هم اکنون به شیوه سنتی و دارویی در افغانستان معمول و مجاز است).

گزارش جهانی مواد مخدر نشان میدهد که از سال 2016 تا 2017 تولید جهانی تریاک با 65 درصد افزایش به 10500 تن رسیده است، که بالاترین میزان تخمین زده شده از سوی سازمان ملل متحد از زمان شروع نظارت بر تولید جهانی تریاک در آغاز قرن بیست و یکم است. افزایش چشمگیر کشت خشخاش و بهبود تدریجی حاصل دهی در افغانستان موجب شد تا تولید تریاک در سال گذشته به 9000 تن برسد.

بر اساس آخرین گزارش سازمان ملل متحد " تولید جهانی کوکائین در سال 2016 با حدود 1410 تن به بالاترین سطحی رسید ،با آنکه بولیوی، پیرو و کلمبیا مهمترین تولید کنندگان برگ گیاه کوکا در جهان هستند. ولی این گزارش نشان میدهد که آفریقا و آسیا دارند به عنوان مراکز قاچاق و مصرف کوکائین ظاهر میشوند، گزارشات محلی نشان میدهد که در افغانستان هم تجارت کوکائین دارد رونق میگیرد.

(گروههای مخالف دولت کلمبیا خواستار قانونی شدن کشت کوکا و خشخاش اند و یکی از شرایط اساسی آنها برای استقرار صلح و ختم جنگ داخلی قانونیت بخشیدن کشت کوکا در کشور کولمبیا است. نمایندگان "فارک " در گفتگوهای صلح در کوبا از دولت کلمبیا رسماً درخواست کرده اند که کشت خشخاش و برگ گیاه کوکا و ماری جوانا (چرس) را قانونی کند).

یوری فدوتوف، مدیر اجرایی دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم سازمان ملل متحد (UNODC) گفت: " یافته های گزارش جهانی مواد مخدر امسال نشان میدهد که بازارهای مواد مخدر در حال گسترش هستند و تولید کوکائین و تریاک رکورد شکستند که این خود نشاندهنده چالشهای متعدد در جبهه های متعدد است" (عمدتاً در جنگهای داخلی).

وی همچنین تأکید کرد که "دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم سازمان ملل متحد (UNODC) متعهد به همکاری با کشورها برای دستیابی به راه حلهای متعادل و جامع برای چالشهای مواد مخدر و همچنین دستیابی به پیشرفت در جهت اهداف توسعه پایدار است."

قسمت چهارم:

" افغانستان در گردآب جنگ امریکا "

نوشته احمد ضیا سپهر صدیقی:

ششم - مصارف جنگ افغانستان و منابع تمویل آن:

مصارف مستقیم جنگ ۱۸ ساله افغانستان تخمیناً بیشتر به یک تریلیون دالر (2،1 تریلیون) و مصرف سالانه آن به ۴۵ میلیارد دالر می‌رسد که از این مبلغ حدود چهارونیم میلیارد دالر آن سالانه جهت تأمین مصارف نیروهای امنیتی و دفاعی افغانستان و حد اوسط ۲ الی ۳ میلیارد دالر آن سالانه به شکل کمک‌های بلاعوض اقتصادی از طرف ایالات متحده امریکا به افغانستان فراهم می‌گردد. بقیه آن به شکل مستقیم یا غیرمستقیم از طریق قراردادهای مختلف امریکایی، غربی و افغان به خاطر حمایت لوژستیکی، تخنیک، مشورتی و عملیاتی نیروهای امریکایی و ناتو مقیم در پایگاه‌های مختلف این کشور در افغانستان پرداخته می‌شود.

هم‌چنان در طرف مقابل، طالبان سالانه بین ۵ الی ۷ میلیارد دالر را از منابع مختلف به شمول قاچاق مواد مخدر، استخراج و قاچاق غیرقانونی معادن، جمع‌آوری عشر و ذکات، کمک‌های کشورهای منطقه و خلیج، تاراج مردم و جریمه‌های مختلف به دست می‌آورند.

رهبران طالبان بزرگترین سرمایه‌داران و قاچاقبران مواد مخدر می‌باشند، صرف نظر از اهداف سیاسی - نظامی و ایالوژیکی این جنگ، رخ اصلی جنگ معاملات تجارتي - مالی است که به آن کمتر پرداخته شده. در واقع مدیریت و سازماندهی اصلی جنگ افغانستان بدست دستگاه‌های استخباراتی - تجاری کشورهای غربی و منطقه، کمپنیهای امنیتی خصوصی، قرار دادیهای لوژیستیکی و حمایتی، موسسات غولپیکر صنایع دفاعی و نظامی و شبکه‌های مافیایی جهانی و یک قشر فوقانی صاحبان قدرت و ثروت در افغانستان، و کارتل‌های مواد مخدر کشور قرار دارد. اینها اند که بر بنیاد منافع خویش در مورد کندی و تندی جنگ و تداوم و یا قطع آن و یا به اصطلاح " کاهش خشونت" و جابجایی گروه‌ها و تیم‌ها در اداره دولت تصمیم می‌گیرند. (در مورد جنگ نیابتی درنوشته جدا گانه پرداخته ام)

جنگ امریکا در افغانستان همان اندازه که مدحش، ویرانگر و هستی سوز است، به همان اندازه منبع بزرگ برای ثروت اندوزی حاکمان، گسترش فساد و زایل ساختن ارزشهای والای انسانی و اخلاقی نیز می‌باشد. از اثر این جنگ فرساینده بافت اجتماعی - فرهنگی جامعه افغانی، قراردادهای، قوانین و موازین اجتماعی از ماهیت حقوقی - اخلاقی خویش تهی گردیده است. در سایه جنگ، ثروت اندوزی، غضب زمینها و دارایی‌های عامه، بی قانونی، گسترش فساد اقتصادی - اداری و سیاستها و تنشهای قومی - مذهبی و سمتی به شدت گسترش یافت.

از اثر این جنگ شگاف طبقاتی عمیق تر گردید، این جنگ قشری را از طریق کوتاه ترین راه سوی روند تولید اجتماعی ثروتمند و سرمایه دار ساخت و اکثریت اقشار و لایه‌های اجتماعی را به سوی فقیر و ناداری سوق داد. به این اصل مهر تأیید زد که " جنگ یک طبقه را حاکم و طبقه دیگری را محکوم و تابع می‌سازد".

هفتم - برخی پیامدهای قریب 20 سال جنگ امریکا - ناتو در افغانستان:

کشته شده گان جنگ:

براساس یک گزارش تازه مبتنی بر اسناد محرمانه دولت امریکا، در ۱۸ سال گذشته بیش از ۶۲ هزار نیروی نظامی افغانستان و بیش از ۴۲ هزار جنگجوی طالبان در کشور کشته شده اند. (مجموع جانباخته گان 104000 نفر). "منبع روز نامه واشنگتن پست" (تلفات واقعی بسیار بالاتر از این ارقام است).

روزنامه واشنگتن پست که به ۲ هزار صفحه اسناد محرمانه دولت آمریکا درباره جنگ افغانستان دست پیدا کرده، گزارش داده است که در طول ۱۸ سال گذشته، حاکمان مختلف در کاخ سفید برای موفق نشان دادن جنگ امریکا در افغانستان، حقایق را از مردم پنهان کرده اند.

این اسناد نشان داده است که از سال ۲۰۰۱ تا کنون، ۷۷۵ هزار سرباز آمریکایی به افغانستان اعزام شده که از این میان، ۲ هزار و ۳۰۰ تن کشته و ۲۰ هزار و ۵۸۹ تن دیگر زخمی شده اند. و نیز ۴۳ هزار و ۷۴ غیرنظامی در این مدت کشته شده اند. این روزنامه امریکایی در گزارش خود بنابر گزارش وزارت دفاع، وزارت خارجه و سازمان توسعه بین المللی آمریکا گفته است که، این کشور در ۱۸ سال گذشته ۹۳۴ تا ۹۷۸ میلیارد دالر در افغانستان هزینه کرده است.

این آمار بلند تلفات نیروهای امنیتی و دفاعی افغانستان در حالی به نشر رسیده است که پیش از نشر این ارقام رییس جمهور غنی به تاریخ دوم دلو سال ۱۳۹۷ خورشیدی در حاشیه نشست مجمع جهانی اقتصاد در شهر داووس سویس، در مصاحبه با خبرنگار سی ان ان گفته بود، از ماه دسامبر ۲۰۱۴ میلادی که او به حیث رییس جمهور افغانستان تعیین شده، تا آن زمان، بیش از ۴۵ هزار نیروی امنیتی افغانستان در جریان جنگ و درگیری ها کشته شده اند. (45000 در پنج سال تنها عدد نیست، 45 هزار تابوت جوانان افغانستان است، که هر کدام نان آور یک خانواده هشت نفری بودند، عمق فاجعه عمیقتر از آن است که با عدد بیان گردد).

تنها در اثر حملات انتحاری، انفجارهای ماین و حملات چریکی گروه طالبان در سال ۲۰۱۹ عیسایی در کشور ۲۲۱۹ فرد ملکی جان باخته و ۵۱۷۲ نفر دیگر زخم برداشته اند. مزید بر آن براساس اعلامیه گروه طالبان که در رسانه ها نشر شده در نتیجه حملات عساکر امریکایی، نیروهای امنیتی دولت افغانستان و گروه داعش در سال ۲۰۱۹ عیسوی در کشور ۵۴۲۳ فرد ملکی کشته شده و ۳۲۸۴ تن دیگر زخمی شده اند. این در حالی است که یوناما هر سال گزارشی از تلفات افراد ملکی در افغانستان را نشر میکند. بر بنیاد آمار این اداره، در نه ماه سال

2019 عیسایی 2563 فرد ملکی در افغانستان کشته شده و 5676 نفر دیگر زخم برداشته اند. هیأت معاونیت سازمان ملل متحد در کابل (یوناما) اخیراً اعلام کرد که در دهه گذشته بیش از صد هزار فرد ملکی افغان کشته و زخمی شده اند.

قسمت پنجم:

" " افغانستان در گردآب جنگ امریکا

نوشته احمد ضیا سپهر صدیقی:

هشتم- استعمال سلاحهای کشتار جمعی در جنگ افغانستان.

ارتش آمریکا برای اولین بار بتاريخ 13 اپریل 2017، از بزرگترین بمبهای غیر هسته‌ای خود در جنگ افغانستان استفاده نمود، و بزرگترین بمب غیر هسته‌ای اش را در ولسوالی اچین ولایت ننگرهار پرتاب کرد. به گفته مقامات امریکایی، هدف این بمب " مخفیگاه زیرزمینی گروه موسوم به دولت اسلامی یا داعش در ولسوالی اچین ولایت ننگرهار افغانستان بوده است".

مشخصات مادر همه بمبها:

نام اصلی این بمب (BGU-43B سلاح عظیم انفجار هوایی (Massive) () Ordnance Air Blast Bomb) یا به اختصار (MOAB) است که به اصطلاح به آن "مادر همه بمبها" گفته می‌شود..

این بمب ۹ متر طول و نزدیک به ۱۰ تن وزن دارد و هدفش را با موقعیت یاب ماهواره‌ای (جی‌پی‌اس) پیدا می‌کند. برای افزایش قدرت انفجار این بمب، به آن پودر آلومینیم اضافه کرده‌اند..

نحوه پرتاب این بمب متفاوت است. به دلیل سنگینی و بزرگی، بجای بمب افکن، یک هواپیمای باربری ام‌سی-۱۳۰ آن را پرتاب می‌کند.

مادر همه بمبها "طوری طراحی شده که برای وارد کردن بیشترین فشار، قبل از برخورد با زمین منفجر شود تا به گفته طراحانش بیشترین ضربه را به زمین وارد کند. حدود ۹ تن تی‌ان‌تی داخل این بمب، دایره‌ای به شعاع یک و نیم کیلومتر را منفجر می‌کند. جدار آلومینیمی نازک این بمب مشخصاً برای افزایش شعاع انفجار بمب طراحی شده است.

(روسیه هم بمب سنگین غیر هسته‌ای خود را ساخته و نامش را "پدر همه بمب‌ها" گذاشته است. این بمب نوعی بمب حرارتی است. این نوع بمب‌ها در دو مرحله منفجر می‌شوند. یک انفجار کوچک ابری از مواد منفجره ایجاد می‌کند که بعد انفجار این ابر، انفجاری عظیم و موجی با فشار خرد کننده تولید میکند).

به گزارش اسپوتنیک به نقل از طلوع نیوز، نزدیک به دو و نیم سال پس از پرتاب مادر بمب ها بر ولسوالی اچین ننگرهار، باشنده گان این دره می‌گویند، که اکنون بیماری‌های گوناگون در این دره افزایش یافته‌اند و نیز زمین‌های کشاورزی حاصل نمی‌دهند. شماری از مردم محل پس از پرتاب مادر بمب ها به بیماری پوستی (که بخش‌های از پوست آنان می‌خشکند)، مبتلا شده‌است، سنگها شگننده شده و بته ها خشکیده اند.

در همین حال دوکتوران از پیامدهای ناگوار به کارگیری مواد هسته‌یی در جنگ‌ها افغانستان هشدار می‌دهند.

اکنون مردم از مقامات دولت امریکا سوال میکنند که آیا " مادر همه بمب ها " راه امنیت و استقرار صلح را در افغانستان توانست هموار نماید؟

پاپ فرانسیس، رهبر کاتولیک‌های جهان در خصوص پرتاب این بمب علیه مواضع گروه تروریستی داعش در افغانستان، گفت: " از نام بمبی که آن را مادر تمام بمب‌ها نامیده اند، احساس شرم کردم؛ چرا که مادر زندگی بخش است و بمب مرگ آفرین."

استعمال مادر بمبها نشان داد که جناب ترامپ دست جنرالهای نظامی امریکایی را در جنگ افغانستان باز تر نگه‌میدارد.

با دریغ تا کنون هیچ کدام نهادی تلاش ننموده تا تلفات انسانی و ارزش پولی تخریبات و ضایعات ناشی از عملیاتهای جنگی، حملات هوایی، آتش سوزیها، غارت، چپاول، دزدی ثروتهای مردم و زیانهای وارده به تاسیسات عامه و زیربنایی و شبکه های پایه یی این کشور جنگزده را سنجش نماید. آنچه روشن است اینکه مصارف حقیقی این جنگ و تلفات انسانی آن بمراتب بالاتر از آن است که تاکنون اشکار گردیده و به گونه در مطبوعات و راپورهای برخی از نهادها بازتاب یافته است.

نهم – وضعیت افغانستان پس از بیست سال حضور نظامی امریکا – ناتو:

بدبختانه برخلاف اراده اکثریت مردمان سیاره ما جنگ ادامه دارد اما واقعیت مسلم این است که دیگر یوغ این جنگ غیرعالانه تحمیلی، این هیولای کشار انسانها و نابودی ثروتها و ارزشهای انسانی، شانه های مردم دربند و بی دفاع افغانستان را شکستانده است و مردم دیگر توان حمل آنرا ندارند .

با اینکه فریاد پاپان دادن به این جنگ لعنتی در سرزمین سوخته ما رساتر می‌گردد و با آنکه گرایشهای ضد جنگ در تمام نقاط جهان افزایش یافته است و روز تا روز اعتراضات مردمان جهان گسترده تر می‌گردد، ولی جنگ، تجاوز و اشغال سرزمینهای کشورهای ضعیف به ویژه کشورهای پیرامونی از جمله افغانستان چیزی نیست که به میل مردم انتخاب گردد، بل چنین جنگها، اشغالگریها و تجاوزها، پدیده همزاد نظام سرمایه داری جهانی است. نمیتوان "نظام سرمایه داری جهانی" بدون جنگ و غارت را تصور نمود، به همین لحاظ است که بشریت مترقی، مدافعین حقوق انسانی و پاسدارن ارزشهای والای فرهنگی و تمدن بشری، شعار ختم جنگ را با شعار طرد امپراتوری سرمایه داری جهانی آمیخته اند.

مردم افغانستان با سقوط امارت اسلامی طالبان (2001 عیسایی) و استقرار شرایط جدید، از فرصتهای نسبتاً مناسبی بر خوردار گردیدند، توجه جامعه جهانی برای تأمین صلح و تمایل برای مشارکت در بازسازی و توسعه کشور، یک امکان تاریخی نادر را برای افغانستان بوجود آورد، با آنکه دولت جمهوری اسلامی افغانستان ماهیتاً فاقد پایگاه دموکراتیک و ملی بود و برنامه برای حل مسایل اساسی جامعه نداشت، ولی در برخی زمینه ها دستاوردهای مثبت دارد که قابل کتمان نمیباشد. هرگاه یک حکومت وطندوست، ترقی پسند، کارفهم، صادق و وفادار به منافع ملی کشور، وجود میداشت یقیناً امروزه راه برای ترقی، تکامل، انکشاف و توسعه کشور گشوده می شد.

کنون حضور نظامی آمریکا – ناتو در کشور با واقعیتهای آتیه عجین است:

ادامه جنگ، فقر، بیکاری، بیعدالتی، بدامنی و بی ثباتی سیاسی،

فقدان حکومت واحد مرکزی و نبود حاکمیت ملی،

گسترش و ترویج « انارشیزم کنترل شده!»، در تمام کشور،

پرورش، تجهیز و تنظیم طالبان از بیرون مرزهای افغانستان،

زمینه سازی برای برگشت دوباره گروه طالبان به قدرت و حاکم ساختن مجدد آنها به سرنوشت مردم.

تبدیل دو باره اغلب قریه ها، قصبات و ولسوالیها به مامن و پناهگاهی گروههای افراطی مذهبی، طالبان، داعش و حامیان بیرونی آنها،

گسترش بی مانند فساد اداری – اقتصادی، غارت و غضب ثروتها، اراضی و ملکیتهای دولتی و شخصی مردم و دزدی مساعدتهای بین المللی و بودجه دولتی از سوی حاکمان کشور و حامیان آنان،

جابجایی و تسلط شبکه های مافیایی در تمام نهادهای اقتصادی، مالی - سیاسی و نظامی کشور،

ظهور «کارتل‌های مافیایی!» برای انجام معاملات غیر مجاز پولی، فروش مواد مخدر، خریداری، فروش و انتقال اسلحه و مهمات جنگی و پیشبرد روند «پول شویی!»،

دامن زدن اختلافات قومی، زبانی، سمتی و مذهبی،

افزایش تلفات ملکی، تخریب ساحات مسکونی و محیط زیست، اعمار و ایجاد پایگاه‌های نظامی و زندانهای شخصی،

ازدیاد ساحه کشت و افزایش مقدار تولید، پروسس، ترافیک و قاچاق مواد مخدر،

بدتر شدن وضع اقتصادی، کاهش قدرت خرید مردم، افزایش میزان بیکاری و بی سرپناهی، عدم دسترسی تهیدستان به مواد غذایی، آب آشامیدنی، خدمات صحتی و محروم بودن اکثریت فرزندان کشور از تعلیم و تربیه،

ازدیاد جرایم سازمان یافته، تولید و بازتولید خشونت، تشدید حملات تروریستی و انتحاری، عدم مصونیت مال و جان اتباع کشور،

محروم ساختن مردم از حق شهروندی، نقض و پا مال کردن حقوق بشری، نبود آزادی واقعی بیان و عقیده، سرکوب دگراندیشان و کنارزدن نیروهای واقعاً دموکراتیک از وضعیت سیاسی کشور،

نبود یک دستگاه قضایی مستقل، عادل، کارفهم و متعهد به موازین حقوق بشری و عدالت اجتماعی.

باید با صراحت گفت که اوضاع جاری کشور یک نمونه از اوضاع دهشت و بربریت دنیای سرمایه داری (نظم نوین جهانی!) است. این واقعیتهای وضعیتی را به وجود آورده اند که ناکامی و بن بست استراتژی آمریکا - ناتو را در افغانستان اشکار میسازد.

با آنکه روز تا روز لکه ای بی اعتمادی نسبت به سیاستها و راهکارهای آمریکا - ناتو برجسته و اشکار تر میگردد و تمام ارزیابی های موجود حاکی از عدم امکان دستیابی آمریکا - ناتو به یک پیروزی نظامی در مواجهه با طالبان، القاعده، داعش و سایر بنیادگرایان افراطی مذهبی و باندهای تروریستی مسلح و حامیان آنها میباشد و با آنکه مقامات آمریکایی اعلام کرده اند که خروج نیروهای نظامی خویش را آغاز نموده اند، ولی دور از انتظار به نظر میرسد که نیروهای نظامی آمریکا کاملن به این زودی از کشور خارج گردند.

حقیقت این است که جنگ و مبارزه آمریکا با القاعده، طالبان، داعش و باندهای تروریستی دارای چار چوب و حدودی مشخص است، آمریکا - ناتو از آن فراتر گام بر نمیدارند و در پی اضملال کامل و نابودی و برچیدن

باندهای مسلح آنان نیستند، به بیان دیگر آمریکا - ناتو با تعیین این چارچوب هدف بلند مدت حضور خود را در افغانستان و منطقه دنبال میکنند .

تداوم وضعیت کنونی و حفظ و استمرار « انارشیزم کنترل شده! » جزء استراتژی آنها به شمار میرود، در دایره این استراتژی مبارزه کامل و همه جانبه با گروه های بنیادگرا افراطی و باندهای تروریستی، آنگونه که رسانه های تبلیغاتی غرب تبلیغ مینمایند انجام نخواهد یافت، زیرا هنوز آمریکا قصد ترک منطقه را ندارد و در پی استقرار صلح پایدار در افغانستان نیست.

در فرجام این بحث در ارتباط با وضعیت پیش آمده جاری باید گفت که: مفید پنداشته میشود تا تمام نیروهای صلحخواه، دادگر، مترقی و تحول طلب افغانستان از هرگونه تحولی که منجر به امر استقرار صلح، دموکراسی، ترقی اقتصادی - اجتماعی و تأمین نسبی عدالت اجتماعی گردد و یا حداقل باعث تضعیف و عقب زدن ارتجاع افراطی قرون وسطایی گردد، ابراز حمایت بدارند، ابراز این حمایت یک عمل مهم سیاسی است. به هیچ صورت جنگ راه حل دوامدار و مناسبی برای رفع بحران بزرگ جاری و تأمین صلح پایدار نیست، ولی در عین حال آمریکا - ناتو حق ندارند خلاف اراده مردم افغانستان، با اتخاذ سیاستهای دفع الوقت و معامله گیری، بخاطر منافع خاص خویش، جریان تاریخ را عقب برگردانند و ارتجاع طالبی، بنیادگرایان افراطی مذهبی و حامیان جهادی آنها را بار دیگر بر این کشور مسلط سازند.و به آنها حق انحصار قدرت بدهند.

از این دید در وضع کنونی قطع جنگ، تأمین صلح سراسری، خلع سلاح گروه های مافیایی-مذهبی و جهادی، تقویت و پاگیری حکومت مرکزی-قانونی و مشروع، ایجاد و تجهیز قوا مسلح مستقل، ملی، غیر سیاسی و وفادار ب مردم افغانستان، اعاده وضع عادی سیاسی و اجتماعی - اقتصادی و استقرار یک نظام واقعاً دموکراتیک، وظایف تأخیرناپذیر همه مردمان صلح دوست افغانستان شمرده میشود. ضرور است تا مردم افغانستان به هر وسیله ممکن اراده صلحخواهانه خویش را تبارز بدهند.

20 مارچ 2020 - شهر بن